

چرا سرزمین فلسطین برای سکونت صهیونیست‌ها انتخاب شد؟

انتخاب سرزمین فلسطین به عنوان میهن ملی یهودیان و کانون جنبش صهیونیسم، تصمیمی نبود که صرفاً بر مبنای ملاحظات سیاسی یا جغرافیایی گرفته شده باشد، بلکه ریشه‌های عمیق تاریخی، مذهبی و فرهنگی داشت که با گذشت زمان و تحولات اروپایی، ابعاد سیاسی پررنگی یافت. درک دلایل این انتخاب، نیازمند بررسی چند عامل کلیدی است:

۱. پیوند تاریخی و مذهبی دیرینه:

اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین دلیل برای انتخاب فلسطین، پیوند ناگسستنی تاریخی و مذهبی یهودیان با این سرزمین بود. برای قرون متمادی، فلسطین (که در متون مذهبی یهود به "سرزمین اسرائیل" یا "صهیون" مشهور است) موعود و مکان تولد دین یهود، محل زندگی پیامبران و پادشاهان بنی‌اسرائیل و مرکز دو معبد مقدس یهود در اورشلیم به شمار می‌رفت. حتی پس از پراکندگی یهودیان در سراسر جهان (دی‌اسپورا) در قرون اولیه میلادی، آرمان "بازگشت به صهیون" و اورشلیم در دعا‌های روزانه، آداب و رسوم مذهبی و ادبیات یهودی زنده نگه داشته شد. این اشتیاق و انتظار برای بازگشت به سرزمین اجدادی، در طول قرن‌ها، هویت جمعی یهودیان را تقویت می‌کرد و به آن‌ها امید می‌بخشید. تئودور هرتسل نیز، اگرچه در ابتدا سکولار بود، اما به خوبی از اهمیت این پیوند مذهبی-تاریخی برای بسیج توده‌های یهودی آگاه بود و آن را به عنوان ستون فقرات ایدئولوژی صهیونیسم سیاسی خود قرار داد.

۲. ظهور یهودستیزی مدرن در اروپا و نیاز به پناهگاه امن:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، موج جدیدی از یهودستیزی در اروپا، به ویژه در اروپای شرقی (روسیه تزاری) و حتی در کشورهای ظاهراً لیبرال غربی (مانند فرانسه و ماجرای دریفوس که بر هرتسل تأثیر گذاشت)، آغاز شد. این موج از آزار و اذیت‌ها، قتل‌عام‌ها (پوگروم‌ها) و تبعیض‌های سازمان‌یافته، باعث شد که بسیاری از یهودیان، از جمله هرتسل، به این نتیجه برسند که همگون‌سازی و جذب شدن در جوامع اروپایی امکان‌پذیر نیست و یهودیان برای حفظ بقا و هویت خود، نیاز مبرمی به یک "پناهگاه امن" دارند. هرتسل در کتاب «دولت یهود» خود به صراحت بیان کرد که تنها راه حل برای "مسئله یهود"، تأسیس یک دولت مستقل است که بتواند تمامی یهودیان جهان را پذیرا باشد. فلسطین در این میان، نه تنها به دلیل اهمیت مذهبی، بلکه به عنوان یک مکان بالقوه برای این پناهگاه، مطرح شد.

۳. موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک:

فلسطین، از نظر جغرافیایی، در تقاطع سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا قرار گرفته است. این موقعیت استراتژیک، از دیرباز اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی به آن بخشیده بود. هرچند این عامل در ابتدا به اندازه دلایل مذهبی و تاریخی برجسته نبود، اما با پیشرفت طرح صهیونیستی و نیاز به جلب حمایت قدرت‌های بزرگ، اهمیت بیشتری پیدا کرد. کنترل بر این منطقه می‌توانست به نفع قدرت‌های استعماری مانند بریتانیا نیز باشد که به دنبال تثبیت نفوذ خود در خاورمیانه بودند.

۴. نبود جایگزین‌های قابل قبول و پذیرش جنبش:

هرچند در برهه‌ای، پیشنهادهایی برای تأسیس میهن یهودی در مناطق دیگری مانند اوگاندا یا آرژانتین مطرح شد (مانند "طرح اوگاندا" که هرتسل خود نیز آن را در ششمین کنگره صهیونیستی در سال ۱۹۰۳ مطرح کرد، هرچند با مخالفت‌های شدید درون جنبش صهیونیسم روبرو شد)، اما هیچ کدام از این گزینه‌ها نتوانستند جایگزین پیوند عمیق و تاریخی با فلسطین شوند. برای اکثریت قریب به اتفاق صهیونیست‌ها، "صهیون" تنها می‌توانست فلسطین باشد. آرمان‌گرایی و پیوند مذهبی-تاریخی با این سرزمین، چنان قدرتمند بود که هر گونه پیشنهاد جایگزین، به سادگی رد می‌شد. جنبش صهیونیسم بر مبنای این آرمان بنا نهاده شده بود و تغییر مقصد، به معنای از دست دادن پایگاه اصلی ایدئولوژی آن بود.

نتیجه‌گیری:

در مجموع، انتخاب سرزمین فلسطین به عنوان کانون صهیونیسم، نتیجه‌ی هم‌پوشانی عوامل عمیق مذهبی و تاریخی با ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از یهودستیزی فزاینده در اروپا بود. تئودور هرتسل، با دیدگاه سیاسی و سازماندهی قوی خود، توانست این آرمان دیرینه را به یک جنبش جهانی تبدیل کند و با تکیه بر پیوند عاطفی و مذهبی یهودیان با فلسطین، راه را برای تأسیس کشور اسرائیل در این سرزمین هموار سازد.

منابع:

پرتال جامع علوم انسانی: مقالاتی مانند "شکل‌گیری حکومت و نیروهای مسلح اسرائیل".

خبرگزاری بسیج: مقالاتی که به تاریخ صهیونیسم و پایه‌گذاران آن می‌پردازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: مقالاتی نظیر "تئودور هرتسل، پیامبر یهودیت معاصر".

وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری

در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان